

متن پرسش

سلام استاد: آنهایی که می آیند فلسفه را نقد می کنند آیا خدا را می فهمند؟ اصلا عارفی در تاریخ داشته ایم که تفکر فلسفی و امثالهم نداشته باشد؟ بنده خیلی فکر کردم. به نتیجه ای رسیدم که: اگر هم داشتیم یا طرف عارف نبوده است. یا آن تفکرات را داشته منتها علنی نکرده. چون احساس می کنم یک انسان بدون آن تفکر همیشه در حجاب حضرت حق است کسی که در حجاب است چگونه می تواند حق را بفهمد. و ریشه نفهمیدن آنها را هم از این قضیه می دانم. یعنی آن حجاب عظیم باعث شده که به جهل مرکب بیفتند. و برای من حوزوی. زجر آور است که می بینم برخی با این تفکر درس اخلاق هم می گویند. و خدای قوم یهودی به طلاب و مردم معرفی می کنند. بعضی وقتها با خودم می گویم: آنها استاد تواند آیت الله هستند و... ولی در انتها نمی توانم قبول کنم و می گویم استاد هستند که باشند. حرفی که می زنند اشتباه است. سعی دارد حجاب خودش را به بقیه هم انتقال دهد. و به نظر می رسد با این تفکرات زمینه ورود به تفکر تجدد و مدرنیته نیز فراهم می شود ناخواسته. نظر شما را در مورد عرایض می خواستم بدانم استاد عزیز. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تفکر فلسفی یکی از انواع تفکر است که نظر به وجود دارد و اصل وجودی هر موضوعی را به صورت مفهومی مدّ نظر قرار می دهد و بالاتر از آن تفکر عرفانی است که در آن قلب نظر به حقیقت موضوعات می اندازد و پایین ترین معرفت، معرفت حسی است. در معرفت حسی بسیاری از معارف عالیه در حجاب می رود. با توجه به این عرایض می خواهم عرض کنم نمی توانیم بگوییم اگر کسی تفکر فلسفی نداشت از طریق آگاهی های فطری نمی تواند حقایق دین را تصدیق کند. ولی آنهایی که تفکر فلسفی را نفی می کنند مسلّم ضعف هایی در بصیرت خود برای خود شکل می دهند. موفق باشید